

ادراک شنیداری متافیزیکی از منظر ملاصدرا

عبدالله صلواتی^۱

شهناز شایان‌فر^۲

چکیده

در تلقی نگارنده، ادراک شنیداری متافیزیکی، به‌عنوان یکی از محمولات فلسفی، ادراکی است که عامل غیر مادی و غیر فیزیولوژیک به‌مثابه تمام‌کننده ادراک شنیداری در آن حضور دارد. در آثار فیلسوفان مسلمان به‌طور عام و در آثار ملاصدرا به‌طور خاص، درباره ادراک شنیداری متافیزیکی به‌عنوان یکی از راه‌های شناخت، مباحث مستقل و منسجمی مطرح نشده است. پژوهش مستقلی نیز در این‌باره صورت نگرفته است.

جستار حاضر در صدد آن است که بر اساس امکانات درونی فلسفه ملاصدرا و اقوال پراکنده او در این زمینه، مؤلفه‌ها و مختصات ادراک شنیداری متافیزیکی را مورد واکاوی قرار دهد. پرسش‌های محوری این پژوهش عبارت است از: چه سطوح و معانی‌ای از ادراک شنیداری متافیزیکی در آثار ملاصدرا مطرح شده است؟ چگونه می‌توان با استفاده از امکانات درونی فلسفه ملاصدرا تبیینی وجودی از سطوح غیر متعارف شنیدن متافیزیکی انسان ارائه داد؟

نتیجه به‌دست آمده از این جستار اینکه از آثار ملاصدرا می‌توان سه سطح ادراک شنیداری متافیزیکی و پنج ویژگی برای این ادراک استخراج و استنباط نمود. همچنین، بر اساس امکانات درونی فلسفه ملاصدرا می‌توان ویژگی دیگری با عنوان «شهود خدا در هر شنیده‌ای» را نیز رصد کرد که در قالب دو تقریر اثبات شده است.

کلید واژه‌ها: ادراک شنیداری، ادراک شنیداری متافیزیکی، ادراک حسی، ملاصدرا.

a.salavati@srttu.edu

^۱. استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران (نویسنده مسئول)

sh.shayanfar@alzahra.ac.ir

^۲. استادیار دانشگاه الزهرا

مقدمه

ادراک شنیداری در دانش زیست‌شناسی از پالس‌های مکانیکی در گوش آغاز و با پالس‌های عصبی به بخش شنیداری قشر مغز بر روی لوب گیجگاهی ادامه یافته و با کدگذاری اطلاعات وارده در بخش یادشده پایان می‌پذیرد. بنابراین، سیستم شنوایی مشتمل بر اجزایی همانند: گوش خارجی، میانی و داخلی، عصب شنوایی و قشر شنوایی مغز است (Warren, 2008, 31 & 216; Ghitza and Greenberg, 2010, 403; Schnupp and others, 2010, 408).

اما شنوایی فیزیولوژیکی و زیستی از نظر ارسطو و فیلسوفان مسلمان عبارت است از: عضو جسمانی شنوایی با تشکیلات خاص خود، صوت به‌عنوان متعلق شنوایی با احکامی مثل زیر و بم، حرکت، هوا، تماس. بنابراین، در گزارش و تحلیل ارسطو از ادراک شنیداری و به‌تبع آن در آثار فیلسوفان مسلمان، به‌ویژه ملاصدرا، بخش مربوط به فعل و انفعالات عصبی در بخش شنیداری قشر مغز مشاهده نشده است (Aristotle, 2015, 10-14؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۴، ۹۹؛ همو، ۱۴۲۲.ه.ق، ۲۲۰؛ حسینی اردکانی، ۱۳۷۵، ۴۳۵).

گفتنی است هر چند ملاصدرا در *اسفار* بسیار مجمل، شنیدن را به «ادراک صوت» تعریف می‌کند (۱۳۶۸، ج ۸، ۱۶۹) اما فرایند ادراک شنیداری را با مؤلفه‌های عضو جسمانی شنوایی، صوت و... به پایان نمی‌برد بلکه آن مؤلفه‌ها مقدمه‌اند و نفس فاعل ادراک شنیداری است؛ چنانکه تصریح می‌کند: «نفس ناطقه انسانی به واسطه تعلق به بدن موفق به ادراک شنیداری می‌گردد (همان، ج ۴، ۹۹؛ همو، ۱۳۵۴، ۲۷۹؛ حسینی اردکانی، ۱۳۷۵، ۴۳۶).

تحلیل بالا ادراک شنیداری را از قلمرو طبیعیات و به‌عنوان یک مسأله فیزیولوژیکی به عرصه متافیزیکی می‌آورد. در عرصه متافیزیکی نیز تحلیل ملاصدرا با دیگر فیلسوفان تفاوت جدی دارد؛ با این توضیح که ادراک شنیداری از نظر ملاصدرا از منشآت نفس است و برخورد هوا به آلت شنوایی و تأثیر پرده گوش و دیگر فعل و انفعالات فیزیولوژیکی، همگی مقدمه شنیدن هستند که بر پایه این مقدمات، نفس آمادگی می‌یابد تا صورت ادراکی شنیداری را

ادراک شنیداری متافیزیکی از منظر ملاصدرا ۳

انشاء کند (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۷، ۳۲-۳۱؛ همو، ۱۳۶۸، ج ۱، ۲۶۶-۲۶۵، ۲۸۸ و ۲۹۱-۲۹۰).

با توجه به یافته‌های نوین دانش زیست‌شناسی، می‌توان ادراک شنیداری را از منظر ملاصدرا چنین تحلیل کرد: ادراک شنیداری دو مرحله دارد؛ مرحله پیش‌ادراکی و مرحله ادراکی. مرحله پیش‌ادراکی عبارت است از فعل و انفعالات مکانیکی، سپس، انتقال پیام‌های عصبی در تارهای عصبی و میانجی‌گری مواد شیمیایی در محل اتصال (=سیناپس) دو نورون در انتقال پیام عصبی و بالأخره دریافت این پیام‌ها در بخش شنیداری قشر مغز، و در پایان، کدگذاری اطلاعات در بخش یادشده. مرحله ادراکی اما عبارت است از انشای وجود صورت ادراکی شنیداری از سوی نفس و سپس پردازش‌های عقلانی و رصد و کشف دلالت‌های پنهان و متعدد صور ادراکی.

بنابراین، قوام ادراک شنیداری به عامل غیر مادی است؛ عاملی که حقیقتاً فاعل ادراک شنیداری و تحلیل و پردازش‌کننده اطلاعات آن یا به تعبیری، به‌مثابه تمام‌کننده ادراک شنیداری است. دقیقاً به همین دلیل، این گونه شنیدن را ادراک شنیداری متافیزیکی نام نهادیم. در این پژوهش در صدد آن هستیم که نظر ملاصدرا را درباره ادراک شنیداری متافیزیکی (=شنیدن متافیزیکی) واکاوی کنیم. پرسش‌های محوری این پژوهش عبارتند از: چه سطوح و معانی‌ای از ادراک شنیداری متافیزیکی در آثار ملاصدرا مطرح شده است؟ چگونه می‌توان با استفاده از امکانات درونی فلسفه ملاصدرا سطوح غیر متعارف شنیدن متافیزیکی انسان را تبیین وجودی کرد؟

سطوح ادراک شنیداری متافیزیکی

شنیدن در فلسفه ملاصدرا در سه سطح قابل استنباط است:

۱. شنیدنی که معمولاً در پی فعل و انفعالات فیزیولوژیک رخ می‌دهد و با حضور نفس به‌عنوان

فاعل شنیدن ادراک شنیداری در پرتو انشاء محقق می‌شود؛

۲. شنیدنی که در ارتباط با کانون‌های شناختی‌ای چون عقل یا قلب با خصیصه‌های فهم، پذیرش و شهود مطرح است؛

۳. شنیدنی که در ارتباط با حق پدیدار می‌گردد و در آن، خدا گوش انسان شده و انسان شنوای به حق می‌گردد. در این سطح از ادراک شنیداری، انسان در همه شنیده‌ها، حق را شهود کرده و می‌شنود.

در هسته مشترک ادراک شنیداری فیزیولوژیک و ادراک شنیداری متافیزیکی سه مؤلفه وجود دارد: متعلق شنیدن (صوت/ ندا)، عامل شنیدن (گوش)، عامل و پردازش‌کننده‌های شنیدن. اما سه عامل لزوماً مادی نیستند. اگر انسان را منحصر در ساحت طبیعی بدانیم سه مؤلفه یادشده در ادراک فیزیولوژیک مادی خواهند بود اما بر مبنای پذیرش ساحت مجرد در انسان، نفس انسانی در موطن گوش، فاعل شنیداری و پردازش‌کننده آن است؛ چراکه نفس به بساطتش در همه قوا ساری و جاری و مُدرک حقیقی است. دقیقاً به دلیل حضور همین عنصر غیر مادی (نفس)، این ادراک شنیداری با پسوند متافیزیکی مطرح شده است.^۳

۳. تبیین تفصیلی حضور نفس در موطن ادراک حسی و حضور عقل به‌عنوان عامل و پردازش‌گر ادراک شنیداری به این قرار است:
الف. «النفس فی وحدتها کل القوی»: بدن و قوا شأنی از شئون نفس هستند و قوا به حیثیت تقییدی شأنی نفس موجودند. نفس در همه مراتب قوا حضور دارد. از جمله، نفس در مرحله حس در گوش، چشم و... حضور دارد و عین آنهاست.
ب. اشیاء محسوس معلوم بالذات نفس است بدون آنکه وساطت صور علمی در میان باشد؛ به‌عنوان نمونه شنیده‌ها اولاً و بالذات معلوم نفسند.

ج. در ادراک حسی، عقل در قوای حسی حضور دارد و با این حضور در همان مدرک حسی، معقولات ثانی را که حیثیات انباشته‌اند می‌یابد. پس نفس در دل همان شهود حسی، وجود، وحدت، فعلیت، علیت، تشخیص و... را می‌یابد. بنابراین، عقل فقط استدلال نمی‌کند بلکه شهود و تجربه هم دارد؛ یافتن وجود، اصل واقعیت، اصل امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین همگی با شهود عقلی شکار می‌شوند. ارمغان شهود عقلی، جزئی است اما نفس در مرحله بعد، آن را به کلی تبدیل می‌کند. به تعبیر سنت صدرایی، عقل، وهم ارتقایافته و وهم، عقل تنزل‌یافته است. پس شهود عقلی با مفهوم وهم و کلی گرداندن آن با مؤلفه عقل قابل تطبیق است. دقت شود که قوه وهم در سنت صدرایی اختصاصی به دشمنی و محبت، آن‌گاه که اضافه به متعلق شخصی شوند، نیست بلکه همه معقولات ثانیه را شامل می‌شود.

ادراک شنیداری متافیزیکی از ملاحظه‌ها ۵

در موضعی هم سه مؤلفه یادشده تماماً غیر مادی است. مثلاً زمانی که انسان تسیح موجودات را می‌شنود، هیچ‌یک از سه مؤلفه یادشده مادی نیستند؛ با این توضیح که ادراک، در نگاه متعارف، از سطح حسی آغاز و به سطح خیالی و عقلی رهنمون می‌شود و ادراک شنیداری نیز در همین ترتیب جای می‌گیرد اما ملاحظه‌ها معتقد است گاهی مقدم بر ادراک فیزیولوژیک یا فعل و انفعالات فیزیولوژیک، ادراک شنیداری متافیزیکی رخ می‌دهد. به عنوان مثال، شنیدن تسیح جمادات و نباتات یا شنیدن «قول کن» را به سمع ذاتی عقلی و پیش از شنیدن ظاهری می‌داند (۱۳۶۶، ج ۳، ۲۱۳ و ۲۳۳؛ ج ۵، ۳۹۶).

شاید تصور شود ساحت دوم و سوم شنیدن متافیزیکی، یعنی موضعی که قلب و خدا در شنیدن دخیل است همان ساحت شهود و کشف است و ارتباطی به شنیدن ندارد. در پاسخ می‌توان گفت که کشف از یک منظر به دو دسته کشف معنوی و صوری تقسیم می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳، ۱۴۹؛ فرغانی، ۱۳۷۹، ۷۷۱-۶۶۹). از نظر ملاحظه‌ها، کشف صوری

ملاحظه‌ها می‌گوید معقولات دو گونه‌اند: ۱. معقولات جدای از متعلقات و اشخاص خارجی که به صورت کلی‌اند و به عقل صرف ادراک می‌شوند. معقولات کلی دو قسمند: الف) معقولات ثانی و اضافات که ذهن به انتزاع از اشخاص خارجی ادراک می‌کند. ب) اشیائی مثل سیاهی و سفیدی، که صورت آنها در اشخاص جزئی است و ذهن مستقیماً آنها را می‌یابد. ۲. معقولات همراه با متعلقات که به صورت جزئی‌اند و با قوه وهم و عقل غیر خالص ادراک می‌گردد (یزدان‌پناه، ۱۳۸۹ الف، ج ۱، ۶۴-۶۲، ۲۸۳ و ۲۸۵؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۸، ۲۱۸).

پس، نفس واحد و بسیط است و مراتب عقلی، خیالی و حسی شئون اویند و با جلوه نفس در شأن حسی، جنبه عقلی و دیگر جنبه‌ها نیز در بعد حسی حاضر می‌شود. لذا گفته‌اند حس حیوان حس وهمانی و حس انسان، حس نطقی و عقلی است و شنیده‌های او عقلانی. ملاحظه‌ها می‌گوید: هر محسوس معقول است؛ بدین معنا که محسوس در حقیقت مدرک عقل است اما به حسب اصطلاح، ادراک جزئی را که از طریق وساطت حس انجام گیرد محسوس و قسیم آن را که ادراک مجردات کلی است معقول نامند (۱۳۶۸، ج ۸، ۲۰۴). بنابراین، نفس انسان تا سرحد گوش و چشم تنزل کرده و این تنزل، شنیدن و دیدن ما را شنیدن و دیدن عقلانی می‌کند. به دیگر سخن، بسته به اینکه نفس ما در چه ساحتی از وجود و تجرد سکونت دارد، شنیدن و دیدن ما متفاوت می‌شود؛ انسانی که بالاترین درجه وجودی‌اش وهم است، شنیدن و دیدن او نیز وهمانی است یا انسانی که نفس او یکپارچه ظلمانی، جسمانی و دنیوی شده و تماماً احکام بدن را به خود گرفته، شنیدن و دیدن او نیز ظلمانی، دنیوی و جسمانی است اما انسانی که از بدن و احکام آن فاصله گرفته و به ساحت‌های بالای تجرد گام نهاده و گسترش وجودی یافته و وجود حقانی پیدا کرده و به یقین علمی، عینی و حقی دست یافته، شنیدن و دیدن او هم حقانی، الهی و نورانی است.

از تجلیات اسمائی بوده و در عالم مثال و از طریق حواس پنج‌گانه به دست می‌آید. بنابراین، شهود شنیداری، یعنی کشفی که از طریق شنیدن حاصل می‌شود همانند شنیدن وحی از سوی پیامبر اکرم (ص)، شنیدن تسبیح موجودات و نواهای ملکوتی از قسم کشف صوری و تجلی اسم السميع است (۱۳۶۳، ۱۵۱-۱۴۹) و شهود نیز از اقسام ادراک است.^۴ بنابراین، شهود شنیداری مندرج در ادراک شنیداری متافیزیکی است.

همچنین، به نظر ملاصدرا، غالباً مکاشفات صوری متضمن مکاشفات معنوی هستند (همان، ۱۵۰) و هر یک از این مکاشفات برای ظهور در عرصه علم حصولی نیازمند پردازش‌گری عقل است.

بنابراین، ادراک شنیداری لزوماً نیاز به ابزار جسمانی ندارد بلکه شنیدن گاهی با جسم، زمانی با جسم عنصری و در مواضعی با قلب و بدون ابزار مادی صورت می‌گیرد. از این‌رو می‌توان گفت ادراک شنیداری منحصر به سطح خاصی از هستی، مثلاً عالم طبیعت نیست بلکه در عوالم مجرد هم جریان دارد.

گفتنی است که تصور معانی کلی مجرد، اخص خواص انسان در فلسفه است اما در فضای صدرایی، اخص از «اخص خواص» انسان، اتصال نفوس انسانی به علم الهی است که در آن، حق، گوش، چشم، دست و دیگر قوای ادراکی و تحریکی می‌شود (حسینی اردکانی، ۱۳۷۵، ۵۵۷). بنابراین، سطح سوم ادراک شنیداری اخص از «اخص خواص» انسان است.

دقیقاً به همین دلیل، ملاصدرا شنیدن را از احوال و عوارض موجود بما هو موجود می‌داند، بدون آنکه عروض شنیدن بر موجود سبب تجسم، انفعال و تغییر نفس شود؛ چراکه به نظر وی محمول فلسفی، اولاً و بالذات لاحق بر موجود بما هو موجود می‌شود، بدون آنکه سبب تقید موجود به قید طبیعی یا ریاضی شود.

در این تفسیر از محمول فلسفی، محمول می‌تواند اخص از موضوع باشد، همانند «موجود

^۴ ادراک به دو قسم شهودی و حصولی تقسیم می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ۶۷).

ادراک شنیداری متافیزیکی از منظر ملاصدرا ۷

بالقوه است». همچنین، امکان دارد موجود، مقید به قیدی گردد و به واسطه آن قید محمولی را بپذیرد اما از آنجا که پذیرش آن قید مسبوق به طبیعی شدن یا ریاضی شدن موضوع نمی‌شود، از آن قید به «کاللا واسطه» یاد می‌شود و به محمولی که با وساطت این قید لاحق موضوع شده، محمول فلسفی گویند؛ همانند قید امکان.

در این مثال، موجود تا مقید به قید امکان نشود، حکم و محمول جوهر و عرض را نمی‌پذیرد. بنابراین، اولاً، گزاره «موجود شنواست» یک گزاره فلسفی است. ثانیاً، شنیدن برای موجود بما هو موجود کمال است و هر آنچه برای موجود بما هو موجود کمال باشد، خداوند آن را به نحو اولی داراست (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۷، ۱۴؛ همو، ۱۳۶۸، ج ۱، ۲۴-۲۳ و ۲۸؛ ج ۶، ۴۲۵). ثالثاً، بحث از ادراک شنیداری در سطوح سه‌گانه یادشده، بحث از احوال وجود بوده و یک مسأله فلسفی است.

معانی شنیدن متافیزیکی در آثار ملاصدرا

شنیدن متافیزیکی به حسب وجود، موطن، عمل کرد، ساختار و متعلق شنیدن متنوع و متکثر است. در این بخش در ارتباط با سه سطح متافیزیکی ادراک شنیداری به معانی متنوع شنیدن نزد ملاصدرا می‌پردازیم. از معانی ذیل، معنای نخست با سطح نخست ادراک شنیداری در ارتباط است، معنای پنجم با سطح سوم و دیگر معانی با سطح دوم. بنابراین، معانی مرتبط با سطح دوم ادراک شنیداری متافیزیکی نسبت با دو سطح دیگر در آثار ملاصدرا از بیشترین تنوع برخوردارند. از معنای مرتبط با سطح سوم ادراک شنیداری متافیزیکی (معنای پنجم) در آثار ملاصدرا به کرات بحث شده است.

(۱) **مُنشأ بودن.** به این معنا، ادراک شنیداری با فعل و انفعالات فیزیولوژیکی آغاز و با دخالت نفس و انشای صورت علمی به عنوان معلوم بالذات، پایان می‌پذیرد. در این بخش تنوع معنایی در آثار ملاصدرا مشاهده نشده است. بنابراین، ادراک شنیداری در این سطح به معنای

انشای صورت ادراکی امر شنیده شده است.

(۲) شنیدن به مثابه تعقل و باب فهم معارف. به نظر ملاصدرا، سمع باطنی به مثابه باب فهم معارف است و این نوع از شنیدن با قوه شنوایی باطنی صورت می‌گیرد و با مسدود شدن سمع و بصر باطنی به مثابه باب فهم معارف، استعداد حیات طیبه از بین می‌رود و قرآن کریم برای کسانی که مرده‌اند (= حیات طیبه ندارند) شفاعت نخواهد بود (۱۳۶۶، ج ۵، ۳۰۵-۳۰۳). همچنین، ملاصدرا ذیل آیه کریمه «قالوا سمعنا و هم لایسمعون» آورده است: مراد از سمع، تعقل است. به تعبیری تعقل، سمع باطنی است (۱۳۶۰، ۵۶). در واقع، در این موضع، عقل به عنوان عامل و پردازش‌گر ادراک شنیداری است و ابزار شنیدن، قوه باطنی است نه گوش زیستی.

(۳) شنیدن قلبی. از نظر ملاصدرا، قلب انسان کانون مکاشفات معنوی است و قلب همان نفس ناطقه‌ای است که در پرتو عقل عملی منور شده و حواس باطنی خویش، از جمله گوش باطنی را به کار می‌گیرد (۱۳۶۳، ۱۵۰). گوش قلب، نواهای ملکوتی و الهی را می‌شنود؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) به قلب خویش قرآن را شنید (مزیدی، ۱۴۲۷، ۱۱۲؛ سلمی، ۱۳۶۹، ج ۱، ۱۹۱؛ مکی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۱۶۲ و ۲۲۱؛ ابن عربی، بی‌تا، ج ۱، ۴۲۶؛ ج ۲، ۶۲۵؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۶، ۳۹۸؛ همو، ۱۳۶۶، ج ۷، ۱۸۲). چنانکه گفته شد، این نوع شنیدن در واقع، ادراک شهودی شنیداری است.

(۴) شنیدن ازلی خطاب. ابن عربی می‌گوید: اعیان ثابت در ازل هیچ حکمی ندارند جز شنیدن (بی‌تا، ج ۲، ۴۳۸). ملاصدرا متأثر از ابن عربی، از شنیدن ثبوتی ازلی سخن می‌گوید که در آن، اعیان ممکنات پیش از پیدایش هم شنوایند و هم شنیده (۱۳۶۸، ج ۶، ۴۲۳). به نظر ملاصدرا، شنیدن ازلی خطاب «الست بربکم؟» به سه صورت رخ می‌دهد: شنیدن با گوش منور، شنیدن با گوش قابلی و شنیدن اضطراری و از ورای حجاب با گوش سنگین؛ با این توضیح که این گونه از شنیدن، متفاوت با دیگر شنیدن‌ها پیش از خلقت دنیوی انسان رخ می‌دهد. او با

استمداد از آموزه قرآنی کینونت‌های پیشین انسان‌ها می‌نویسد:

سابقین با سمع منور ندای حق (= أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ) را شنیده و به زبان محبت و از سر یقین، ایمان، تسلیم و تعبد بدان پاسخ می‌دهند. اصحاب یمین نیز با سمع قابلیت ندای حق را شنیده و با قلوب صافی و حدانیت الهی را فهمیده و با زبان ایمان و تعبد بدان پاسخ می‌دهند: «قالوا: بلی أنت ربنا و معبودنا». اصحاب شمال هر چند به سمع قبول و طاعت ندای حق را نمی‌شنوند اما آنها خطاب الهی را از پس حجاب غیرت و کبریا می‌شنوند و به زبان جبر و اضطراب و دهشت و نیازمندی اجابت می‌کنند. (۱۳۶۶، ج ۲، ۲۴۵)

همچنین ملاصدرا، در راستای نظر یادشده، معتقد است پیامبران کلام حق را مستقیماً می‌شنوند و اولیا از ورای حجاب ارواح انبیا؛ دقیقاً به همین دلیل اولیا نیازمند پیروی از انبیا هستند. مؤمنان نیز خطاب الهی را از پس حجاب انبیا و اولیا می‌شنوند و کفار از ورای حجاب ذرات مؤمنان و از سر ریا خطاب حق را شنیده و اجابت می‌کنند (همان، ج ۴، ۳۳۵).

(۵) شنیدن با گوش حق. در فضای عرفانی، سالک با ورود به مرتبه حق‌الیقین به بقای حقیقی پس از فنای کلی (= مقام فرق پس از جمع) دست می‌یابد. در این موضع، تکمیل و بازگشت به عالم کثرت در معیت حق مطرح است؛ چنانکه در کریمه قرآنی آمده است: «ما رمیت اذا رمیت ولكن الله رمی» (انفال، ۱۷) یا در حدیث آمده: «كنت سمعه و بصره و لسانه و یده و رجله فبی یسمع و بی یبصر و بی ینطق و بی یبطش و بی یمشی» (آملی، ۱۳۶۸، ۶۰۵). در این حدیث، خداوند اعلام کرده که من گوش این بنده‌ام و به واسطه من می‌شنود.

سیدحیدر آملی این حدیث را به‌عنوان بالاترین مرتبه انسان کامل بیان می‌کند اما جامی آن را جزو مراحل ابتدایی و در بحث تدنی می‌داند نه تدلی (جامی، ۱۳۸۳، ۴۶). هر چند می‌توان گفت شنیدن با گوش حق به دو شیوه متفاوت در تدنی و تدلی جاری است.

ملاصدرا بر پایه حدیث قرب نوافل می‌نویسد: کریمه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ

لا یَسْمَعُونَ» اشاره دارد که شنوایی به دو گونه است: شنوایی بنفسه و شنوایی به حق (۱۳۶۶، ج ۱، ۴۴۳) و در موضع دیگر، شنوایی به حق را از جنس شنیدن عقلی می‌داند (همان، ج ۶، ۶۱). او در مبدأ و معاد تصریح می‌کند که عارفان در همین دنیا مدام ندای «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» را می‌شنوند (۱۳۵۴، ۳۰). همچنین، شنوای حقیقی را کسی می‌داند که کلام حق و خطابش را می‌شنود (۱۳۷۸ الف، ۶۱).

این دست از شنیدن‌ها و شنیدن اسمای متنوع و فراوان قرآن در نشئات گوناگون (همو، ۱۳۶۶، ج ۶، ۲۳) نیز در راستای سطح سوم ادراک شنیداری متافیزیکی قابل تحلیل است. بنا بر معانی یادشده می‌توان گفت:

اولاً، ویژگی‌های متنوعی که ملاصدرا در معانی شنیدن فهرست کرده است عبارتند از: مُنشأ بودن؛ فهم معارف؛ قلبی بودن شنیدن؛ ازلیت شنیدن به سه گونه یقینی، قابل و حجابی؛ به حق شنیدن (= شنوایی به حق).

ثانیاً، افزون بر دسته‌بندی یادشده در ارتباط با سه سطح ادراک شنیداری متافیزیکی، هر یک از شنیدن‌های متافیزیکی به حسب وجود، موطن، عمل کرد، ساختار و متعلق خاصی رخ می‌دهد؛ با این توضیح که ویژگی مُنشأ بودن صورت ادراکی شنیدن به لحاظ مقام تحقق و وجود است و خصیصه ازلیت شنیدن به حسب موطن است، چراکه این نوع شنیدن در صقع ربوبی و پیش از وجود خلقی انسان رخ می‌دهد. ویژگی قلبی بودن شنیدن به ساختار برمی‌گردد، زیرا در این نوع شنیدن از میان قوای ادراکی در ساختار شناختی، قلب نقش کانونی دارد. «به حق شنیدن» نیز ویژگی‌ای است که به حسب ساختار شنیدن مطرح است، بنا بر آنکه شنیدن با گوش حق در واقع شنیدن با گوش منور است؛ به دیگر سخن، شنیدن در «به حق شنیدن» در ساختار الهی شناخت رخ می‌دهد. خصیصه «فهم معارف» نیز ویژگی عمل‌کردی شنیدن است.

ثالثاً، با توجه به معانی یادشده در سطوح سه‌گانه ادراک شنیداری متافیزیکی، ماهیت و

ادراک شنیداری متافیزیکی از ملامتدرا ۱۱

نحوه وجود سه مؤلفه آن، یعنی متعلق، ابزار و عامل و پردازش کننده‌های شنیدن به قرار زیر است:

ماهیت و نحوه وجود متعلق شنیدن	ماهیت ابزار شنیدن	ماهیت و نحوه وجود عامل و پردازش کننده شنیدن	معنای شنیدن	سطح ادراک شنیداری متافیزیکی
صوت / مادی	گوش زبستی / مادی	نفس ناطقه در مقام عقل نظری / مجرد	انشای صورت ادراکی شنیداری	سطح نخست
صوت / مادی	گوش زبستی / مادی	نفس ناطقه در مقام عقل نظری / مجرد	فهم معارف	سطح دوم
ندای ملکوتی / مجرد	گوش فرازبستی انسانی / مجرد	نفس ناطقه در مقام قلب به عنوان عامل و عقل به عنوان پردازش گر / مجرد	قلبی بودن شنیدن	
ندای الهی / مجرد	گوش فرازبستی انسانی / مجرد	عین ثابت انسانی در صفح روی / مجرد	ازلیت شنیدن	
صوت یا ندای ملکوتی بنحو منفصله مانعة الخلو / مجرد	گوش فرازبستی الهی / مجرد	نفس ناطقه انسانی در مقام وجود حشانی / مجرد	به حق شنیدن	سطح سوم

داده‌های این جدول حاکی از این است که متعلق، ابزار و عامل و پردازش گر ادراک شنیداری لزوماً مادی نیستند.

تبیین وجودی شنیدن الهی

با بهره گیری از معانی شنیدن، به ویژه معنای پنجم، و اقوال و آراء ملامتدرا می توان ویژگی دیگری را برای شنیدن اثبات کرد که عبارت است از «شهود خدا در هر شنیده‌ای». نگارنده در هر شنیدنی که این ویژگی حضور داشته باشد از آن به شنیدن الهی یاد می کند. این نوع شنیدن را می توان بر اساس امکانات درونی فلسفه ملامتدرا رصد و تبیین کرد. تبیین شنیدن الهی با

مشخصه شهود خدا در هر شنیده‌ای را می‌توان در قالب دو تقریر عرضه کرد.

تقریر اول

۱. انسان حقیقت پیوسته‌ای است از ماده و مجرد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۸، ۳۴۰ و ۳۴۷؛ همو، ۱۳۷۵ الف، ۸۸-۸۷).

۲. روح انسانی می‌تواند با استحالات ذاتی مشتمل بر انحائی از مجرد شود که عبارتند از: مجرد ناقص که مجرد خیالی است (همو، ۱۳۶۸، ج ۳، ۴۷۵)، مجرد تام یا مجرد عقلی (همان، ج ۸، ۲۶۰) و مجرد اتم که به معنای حد یقف و مقام معلوم نداشتن است (همان، ۳۴۳ و ۳۴۷؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۴۵).

۳. انسان در حدوث، جسمانی و در بقا، روحانی است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۸، ۳۴۰ و ۳۴۷؛ همو، ۱۳۷۵ الف، ۸۷).

۴. تاریخ انسانی نیز در حدوث، جسمانی و در بقا، روحانی است. یعنی آغاز انسان در تاریخ با حکم غلبه جسمانیت است و پایان وی در دوره پایانی تاریخ با روحانیت، عبدیت و عندیت (همو، ۱۶۳۸، ج ۲، ۲۸۷؛ همو، ۱۳۶۶، ج ۲، ۲۸۷؛ ج ۷، ۵۶؛ همو، ۱۳۷۸ ب، ۸۳-۸۲).

۵. انسان‌ها نه افراد متفاوت که انواع گوناگونند و هر انسانی در آغاز و انجام زندگی‌اش غالباً انواع انسانی متفاوتی را تجربه می‌کند (همو، ۱۳۶۰، ۱۸۸).

بنابراین، استحالات ذاتی انسان در فرایند حرکت وجودی ارادی بر مدار علم و عمل اولاً، ذوات گوناگونی از انسان‌ها را شکل می‌دهد و ثانیاً، در پی تحول و تغییر ذاتی، تمام مشاعر ادراکی و تحریکی او متحول و متباین از ماقبل می‌شود و نواهایی را از هستی می‌شنود که قبلاً قادر به شنیدن آن نبود. در این حالت، انسان تسبیح موجودات را می‌شنود (همو، ۱۳۵۴، ۳۵۱؛ همو، ۱۳۷۵ ب، ۲۹۲).

مشابه همین استدلال را گنابادی در تفسیر بیان السعاده آورده است:

۱. هر پدیده امکانی مشتمل بر دو جهت ماهوی امکانی و جهت وجودی تعلقی است. به

ادراک شنیداری متافیزیکی از منظر ملامتدرا ۱۳

دیگر سخن، هر موجود طبیعی دارای دو جهت ملکی و ملکوتی است.
۲. پدیده‌های طبیعی به حسب وجهه ملکی، صامت و فاقد شعور آگاهی‌اند اما به لحاظ وجه ملکوتی شان ناطقند و تسبیح حق می‌گویند. این تسبیح بسیار فصیح‌تر از زبان ملکی انسانی و روشن‌تر از آن است و علم آگاهی (= شعور ترکیبی) آنها دقیق‌تر از ادراک انسانی است. پس اشیا به حسب ملکوتشان تسبیح حق گفته و اوامر و نواهی حق را ادراک و سپس امتثال می‌کنند.
۳. بنا بر سنخیت میان مُدرک و مُدرک، گوش ملکوتی می‌تواند تسبیح ملکوتی اشیای عالم را بشنود. قرآن کریم که می‌فرماید: «لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» خطابش به نوع انسان است که غالباً فاقد گوش و چشم ملکوتی‌اند (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۲، ۴۴۳).

پس انسان به حسب سلوک و تحول جوهری می‌تواند هم‌افق با ملکوت عالم شده و بالاتر از آن به عالم اله مرتبط گشته و با اتحاد با احدیت جمع، در هر شنیده‌ای خدا را شهود کند. بنابراین، می‌توان با افزودن مؤلفه «احدیت جمع» و مظهریت آن، نتیجه استدلال بالا را از شنیدن تسبیح ملکوتی به شهود خدا در هر شنیده‌ای توسعه داد؛ با توضیحی که به عنوان تقریر دوم آن را طرح می‌کنیم.

تقریر دوم

۱. خداوند بسیط الحقیقه است.
۲. هر بسیط حقیقی‌ای مشتمل بر همه کمالات است. پس خدا همه کمالات را داراست. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۷، ۵۰-۴۷؛ همو، ۱۳۶۸، ج ۲، ۳۶۸). عرفا اتصاف خدا به همه کمالات را در پرتو لحاظات متفاوت و در پی آن با تعابیر متفاوت یاد می‌کنند که یکی از آنها تعبیر احدیت جمع است. در این اعتبار، خدا جامع همه تعینات الهی (اسماء) و تعینات خلقی (اعیان و ماهیات) است (جامی، ۱۳۸۳، ۱۱۶؛ آشتیانی، ۱۳۷۰، ۶۹۶؛ یزدان‌پناه، ۱۳۸۹، ب، ۴۰۱-۴۰۰).

۳. انسان در سلوک عرفانی می‌تواند مظهر احدیت جمع گردد (خمینی، ۱۴۱۶، ۱۴).
 ۴. مظهر احدیت جمع با هر ذره از ذرات عالم، ادراک و تحریک انجام می‌دهد، بدون آنکه ادراک و تحریکی او را از ادراک و تحریک دیگر باز دارد (کاشانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ۳۰۴).
 ۵. با دست‌یابی به احدیت جمع، خدا به جای گوش و چشم سالک نشسته و سالک با نور حق می‌شنود و می‌بیند (همان، ۱۷۸).
- بنابراین، گوش خدا نیز جز حق نمی‌شنود و جز حق شهود نمی‌کند. به دیگر سخن، مظهر احدیت جمع جز حق نمی‌شنود و جز حق شهود نمی‌کند. پس مظهر احدیت جمع برخوردار از شنیدن الهی (= شهود خدا در هر شنیده‌ای) است.
- بنا بر تحول تاریخی انسان و کثرت نوعی او، شنیدن الهی در هر دوره تاریخی متفاوت از دوره‌های دیگر است؛ شنیدن در تاریخ از حضرت آدم تا حضرت خاتم، مقول به تشکیک است و هر چه به دوره خاتم نزدیک می‌شویم هم سخن الهی عمیق‌تر می‌شود که اوج آن در قرآن کریم است و هم شنیدن الهی به درجات عالی‌تری نزدیک می‌شود.

نتایج مقاله

۱. ادراک شنیداری لزوماً نیازمند ابزار جسمانی نیست بلکه شنیدن گاهی با جسم، زمانی با جسم عنصری و در مواضعی با قلب و بدون ابزار مادی صورت می‌گیرد. از این رو ملاصدرا ادراک شنیداری را از احوال و عوارض موجود بما هو موجود می‌داند.
۲. حضور عامل غیر مادی و غیر فیزیولوژیک در ورای فعل و انفعالات مکانیکی، شیمیایی و عصبی در فرایند ادراک شنیداری به‌مثابه تمام‌کننده ادراک شنیداری و مکمل آن، ادراک شنیداری متافیزیکی را رقم می‌زند.
۳. عقل، قلب و خدا به‌عنوان سه عامل غیر مادی در ادراک، خاستگاه سه سطح از ادراک شنیداری متافیزیکی می‌شوند.
۴. در هسته مشترک ادراک شنیداری فیزیولوژیک و ادراک شنیداری متافیزیکی سه مؤلفه

ادراک شنیداری متافیزیکی از منظر ملاصدرا ۱۵

وجود دارد: متعلق شنیدن (صوت/ ندا)، عامل شنیدن (گوش) و عامل و پردازش کننده‌های شنیدن. اما چنین نیست که صوت/ ندا، گوش و عامل پردازش کننده‌های شنیدن لزوماً مادی باشند بلکه در همه سطوح سه گانه ادراک شنیداری متافیزیکی، حداقل عامل و پردازش گر ادراک، مجرد است و در برخی از سطوح همانند سطح سوم و برخی از معانی سطوح دوم، هر سه مؤلفه، یعنی ندا، گوش و عامل پردازش کننده، مجرد هستند.

۵. در ارتباط با سه سطح ادراک شنیداری متافیزیکی، پنج معنا از شنیدن و به تعبیری، پنج ویژگی ادراک شنیداری متافیزیکی قابل استخراج و استنباط است. این ویژگی‌ها به حسب وجود، موطن، عمل کرد، ساختار و متعلق عبارتند از: منشأ بودن، فهم معارف، قلبی بودن شنیدن، ازلیت شنیدن به سه گونه یقینی، قابلی و حجابی، و به حق شنیدن (=شنوایی به حق).

۶. با بهره گیری از معانی شنیدن، به ویژه معنای پنجم، و اقوال و آرای ملاصدرا می توان ویژگی دیگری را برای شنیدن اثبات کرد که عبارت است از «شهود خدا در هر شنیده‌ای» (= شنیدن الهی). ما بر اساس امکانات درونی فلسفه ملاصدرا این معنا را در قالب دو تقریر تبیین کردیم.

۷. کثرت نوعی انسان یکی از عوامل تفاوت ادراک شنیداری متافیزیکی در هر دوره است و تحول تاریخی انسان از عوامل تفاوت ادراک شنیداری متافیزیکی در دوره‌های تاریخی متفاوت است.

کتابشناسی

- آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۰) **شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم**، تهران: امیر کبیر.
- آملی، سیدحیدر (۱۳۶۸) **جامع الأسرار و منبع الأنوار**، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن عربی (بی‌تا) **الفتوحات المکیه**، بیروت: دار الصادر، چاپ اول.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۸۳) **أشعة اللمعات**، قم: بوستان کتاب.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۱) **هزار و یک کلمه**، قم: بوستان کتاب.
- حسینی اردکانی، محمد بن احمد (۱۳۷۵) **مرآت الاکوان**؛ تحریر شرح هدایه ملاصدرا، مقدمه، تصحیح و تحقیق عبدالله نورانی، تهران: میراث مکتوب.
- خمینی، روح‌الله (۱۴۱۶هـ.ق) **شرح دعای سحر**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- السلمی، ابو عبدالرحمن محمد بن الحسین (۱۳۶۹) **مجموعه آثار السلمی**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۴) **المبدأ و المعاد**، مقدمه و تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن فلسفه ایران.
- همو. (۱۳۶۰) **اسرار الآیات و أنوار البینات**، تحقیق محمد خواجه‌ی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- همو. (۱۳۶۳) **مفاتیح الغیب**، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- همو. (۱۳۶۶) **تفسیر القرآن الکریم**، تصحیح محسن بیدارفر، قم: بیدار.
- همو. (۱۳۶۸) **الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**، قم: مصطفوی.
- همو. (۱۳۷۵ الف) **اتحاد عاقل و معقول**، در رسائل فلسفی صدرالمثلهین، تحقیق و تصحیح حمید ناجی اصفهانی، تهران: حکمت.
- همو. (۱۳۷۵ ب) **شواهد الربوبیه**، در رسائل فلسفی صدرالمثلهین، تحقیق و تصحیح حمید ناجی اصفهانی، تهران: حکمت.
- همو. (۱۳۷۸ الف) **المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه**، مقدمه و تصحیح سیدمحمد خامنه‌ای، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- همو. (۱۳۷۸ ب) **اجوبه المسائل**، تصحیح و تحقیق عبدالله شکیبا، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- همو. (۱۴۱۷هـ.ق) **الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه**، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.

ادراك شنيداري متافيزيكي از منظر ملاصدرا ۱۷

- همو. (۱۴۲۲هـ.ق) *شرح الهدایه الاثیریة* (لاثیر الدین الابهری)، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- فرغانی، سعیدالدین (۱۳۷۹) *مشارق الدراری؛ شرح تائیه ابن فارض*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- کاشانی، عبدالرزاق (۱۴۲۶هـ.ق) *لطائف الأعلام فی إشارات أهل الإلهام*، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸هـ.ق) *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادہ*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- المزیدی، احمد فرید (۱۴۲۷هـ.ق) *الإمام الجنید سید الطائفتین*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مکی، ابوطالب (۱۴۱۷هـ.ق) *قوت القلوب فی معاملة المحبوب*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- یزدان پناه، یدالله (۱۳۸۹الف) *حکمت اشراق*، تحقیق و نگارش مهدی علی پور، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- همو. (۱۳۸۹ب) *مبانی و اصول عرفان نظری*، نگارش سیدعطاء انزلی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- Aristotle (2015) "on Things Heard" in *Aristotle's Minor Works: on Colours, on Things Heard, Physiognomics, on Plants, on Marvellous Things Heard, Mechanical Problems, on Indivisible lines, Situations and Names of Winds, on Melissus, Xenophanes, and Gorgias*, with an English translation by Walter Stanley Hett, Cambridge: Harvard University Press.
- Ghitza, Oded and Steven Greenberg (2010) "Intelligibility of Time Compressed Speech with Periodic and a Periodic Insertions of Silence: Evidence for Endogenous Brain Rhythms in Speech Perception?" In *The Neurophysiological Bases of Auditory Perception*, Editors: Enrique A. Lopez-Poveda, Alan R. Palmer and Ray Meddis, New York: Springer.
- Schnupp, Jan, Andrew King, Kerry Walker, and Jennifer Bizley (2010) "The Representation of the Pitch of Vowel Sounds in Ferret Auditory Cortex" In *The Neurophysiological Bases of Auditory Perception*, Editors: Enrique A. Lopez-Poveda, Alan R. Palmer and Ray Meddis, New York: Springer.
- Warren Richard M. (2008) *Auditory Perception; An Analysis and Synthesis*, Cambridge University Press